

حکومت و دولت در کشورهای عقب‌نگهداشته شده

طبقه وابسته به استعمار

□ نوشته: دکتر شاپور رواسانی استاد کرسی اقتصاد اجتماعی در دانشگاه اولدنبورگ - آلمان

شرایط اقتصادی و اجتماعی خود و مستعمرات شیوه‌های خاصی به کار برده‌اند که توجه بدان شیوه‌ها در مورد هر جامعه مستعمراتی اهمیت و لزوم دارد. ساختار طبقاتی جامعه، و لذا ساختار طبقاتی حکومت و دولت در جوامع عقب‌نگهداشته شده در طول زمان تحت سلطه استعمار سرمایه‌داری دچار تحولات فراوان شده، و به این جهت ضروری است مشخص شود که بررسی دولت و حکومت در یک جامعه عقب‌نگهداشته شده مربوط به کدام کشور و کدام دوره می‌گردد تا بتوان با دقت ماهیت اجتماعی و طبقاتی آن را نشان داد.

در هر حال، آنچه باید از آن اجتناب نمود، تعمیم نتایج بررسی‌های سیاسی و طبقاتی درباره دولت در جوامع سرمایه‌داری به کشورهای عقب‌نگهداشته شده امروزی است. باید متذکر گردید که دولت و حکومت در مستعمرات (مانند کشورهای سرمایه‌داری)، بعنوان یک نهاد اجتماعی مرکب و متشکل از انسانها با روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، چیزی در بالا، در خارج یا در کنار جامعه نیست و نمی‌تواند باشد بلکه بخشی از بافت اجتماعی و طبقاتی جامعه بوده و در ترکیب آن از صدر تا ذیل، ساختار طبقاتی و بافت اجتماعی جامعه منعکس می‌گردد. قدرت حکومتی و دولتی موهبت الهی نیست تا «کسی» یا «گروه معینی» ادعای واگذاری آن را داشته باشد.

تاریخ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای عقب‌نگهداشته شده را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود:
۱- دوره‌ای که از زمانهای باستانی آغاز می‌گردد با شروع هجوم و سلطه استعمارگران (چه به صورت نظامی و چه به صورت اقتصادی) و وابسته شدن به بازار جهانی سرمایه‌داری پایان یافته است.
۲- دوره‌ای که با هجوم، سلطه استعمارگران و وابسته شدن به بازار جهانی سرمایه‌داری آغاز شده و ادامه دارد.

بافت طبقاتی و ماهیت اجتماعی دولت و حکومت در هر کشور عقب‌نگهداشته شده امروزی را فقط می‌توان در رابطه با بافت طبقاتی، ماهیت اجتماعی دولت و حکومت در مراحل آغازی دوره دوم (پایان دوره اول) توضیح داد زیرا در بسیاری از کشورهای عقب‌نگهداشته شده، استعمارگران با حاکمان و چپاولگران محلی بر سرکار، ائتلاف کرده و با

بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران در امور اجتماعی و سیاسی کشورهای عقب‌نگهداشته شده، در تشریح مسئله دولت و حکومت بطور عمده به نتایج پژوهشهایی که در باب تطور دولت و وظایف و ساختار اجتماعی آن در کشورهای سرمایه‌داری انجام گرفته بسنده می‌کنند. اما این یک حقیقت تاریخی است که ساختار طبقاتی و اصولاً بافت اجتماعی کشورهای عقب‌نگهداشته شده با ساختار جوامع سرمایه‌داری دارای تفاوت‌های اساسی است و بدین سبب بافت و ترکیب طبقاتی و وظایف اجتماعی حکومت و دولت نیز نمی‌تواند در کشورهای عقب‌نگهداشته شده و کشورهای سرمایه‌داری یکسان باشد.

اغلب به این نکته توجه نمی‌شود که نظریاتی که اقتصاددانان جوامع اروپائی درباره مسئله دولت و حکومت ابراز کرده و می‌کنند به ساختار اجتماعی، شیوه تولید به داده‌های دوره تاریخی مرحله خاصی از رشد وسایل تولید، تغییرات حاصله در روابط تولیدی و طبقاتی و احتیاجات اقتصادی چنین جوامعی برمی‌گردد و از آنها متأثر است و بطور اساسی ربطی به شیوه تولید، ساختار اجتماعی و اقتصادی و روابط طبقاتی در کشورهای عقب‌نگهداشته شده ندارد.

تعمیم نظریات صاحب نظران کشورهای سرمایه‌داری که در باب کشور خود در دوره معین ابراز کرده‌اند (و می‌کنند) به کشورهای عقب‌نگهداشته شده، خود می‌تواند نشانه‌ای از کمبود اطلاع تعمیم دهنده یا تعمیم دهندگان درباره مراحل رشد و ساختار اجتماعی و طبقاتی همان جوامع باشد. برای شناخت ماهیت دولت در کشورهای عقب‌نگهداشته شده چاره‌ای جز تحلیل مشخص از جامعه مشخص، در دوره مشخص وجود ندارد؛ تحلیل مشخص بدان معنا که داده‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ساختار طبقاتی هر جامعه مطابق با واقعیت بیان شود و روابطشان با یکدیگر و بازار جهانی سرمایه‌داری بررسی گردد و جامعه مشخص بدان معنا که تفاوت‌هایی که میان ساختار طبقاتی و بافت اجتماعی کشورهای عقب‌نگهداشته شده با یکدیگر و با جوامع سرمایه‌داری وجود دارد مورد توجه قرار گیرد.

در دوره ماقبل سلطه استعمار سرمایه‌داری بر مستعمرات، همه این جوامع دارای ساختار طبقاتی و بافت اجتماعی یکسان نبوده‌اند و مهاجمان استعمارگر برای نفوذ و سلطه بر این جوامع با توجه به امکانات و

ملی (بورژوازی ملی) به وجود آمده و نضج گرفته و توانسته قدرت دولتی را تصاحب کند، نقش عمده در تغییر ساختار طبقاتی جامعه و دولت برعهده نیروهای داخل اجتماع بوده است. اما تشکیل حکومتها و دولتهای وابسته به استعمار سرمایه‌داری در کشورهای عقب‌نگهداشته شده، در دوره دوم تاریخ این سرزمینها، دقیقاً با تهاجم سرمایه‌داری استعماری به این نواحی رابطه دارد و نتیجه آن است.

در حال حاضر، تقریباً در همه کشورهای تحت سلطه سرمایه‌داری استعماری که هنوز نتوانسته‌اند خود را از نظام سرمایه‌داری آزاد کنند، طبقه دولت وابسته به استعمار قدرت حکومت را در دست دارد اما میزان و چگونگی وابستگی در همه جا یکسان نیست. در بسیاری از نوشته‌های سیاسی هنگام بحث درباره نتایج اجتماعی-اقتصادی تسلط استعمار بر کشورهای عقب‌نگهداشته شده، سخن از بورژوازی کمپرادور (سرمایه‌دار وابسته) به میان آمده و چنین تعریف شده است: «قشر بالای سرمایه‌داری در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که رابطه بسیار نزدیک با سرمایه‌داری خارجی و عناصر فتودال و نیمه فتودال در کشورهای خودشان دارند: تاجر، دلال، سرمایه‌دار، بانکدار، رباخوار که برحسب منافع سرمایه‌داران بزرگ خارجی و به کمک شبکه وسیعی از نمایندگان تجاری در داخل به صورت واسطه میان سرمایه‌داران خارجی و بازار داخلی عمل می‌کنند.»

به نظر نگارنده، زمان هجوم نظامی، تصرف و غارت مستعمرات و پایه‌گذاری اقشار مطیع و وابسته به استعمار در سازمانهای اداری، نظامی و بطور کلی اجتماعی و سیاسی مستعمرات چه در دوره رشد و نضج گرفتن سرمایه‌داری و استعمار سرمایه‌داری، و چه پیش از آن، قدیمی تر و وسیعتر از آن است که بتوان زمان تشکیل اقشار و طبقات وابسته به استعمار را به دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، و طبقات وابسته را فقط به بورژوازی کمپرادور (سرمایه‌دار وابسته) محدود نمود؛ درست آن است که به جای بورژوازی کمپرادور، از طبقه کمپرادور (طبقه وابسته به استعمار) سخن گفت، به این معنا که این طبقه افزون بر بورژوازی کمپرادور، چه در دوره قبل و چه پس از تشکیل این طبقه در مستعمرات، اقشار و طبقات بیشتر و وسیعتری را دربر گرفته است.

در سرزمینهایی که تجاوز دول اروپائی با قهر و غلبه نظامی آغاز گردیده، می‌توان جوانه‌های تشکیل و رشد طبقه وابسته به استعمار را در سازمانهای اداری و نظامی مستعمراتی، و در کشورهای عقب‌نگهداشته شده امروزی به تفاوت در سازمانهای سیاسی و نظامی و سپس با کشاندن این کشورها به بازار جهانی سرمایه‌داری، در میان زمین‌داران بزرگ، تاجر بزرگ و بالاخره بورژوازی کمپرادور نشان داد.

زمینداران بزرگ، شیوخ و سران قبائل و عشایر، سرمایه‌داران بزرگ، نظامیان وابسته، بخش عمده‌ای از تکنوکراتها، بوروکراتها، روشنفکران وابسته، روحانیون وابسته و بسیاری از افرادی که در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، بدون مالکیت وسایل تولید، بلکه به علت موقعیت خاص خود در سازمان اجتماع دارای ثروت و مکنت شده‌اند، و بطور کلی افراد، اقشار و طبقاتی که با داشتن مشاغل، مواضع و روابط مختلف چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی به استعمار سرمایه‌داری خدمت می‌کنند، با آن رابطه و به استعمار سرمایه‌داری اتکاء دارند، می‌توانند در ترکیب طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری شرکت نمایند. با بررسی ترکیب گروههای وابسته به استعمار و حضور و شرکت اقشار و طبقات مختلف در ترکیب طبقه وابسته به استعمار روشن می‌شود که بورژوازی کمپرادور بخشی از این ترکیب است و نه همه آن.

این ترکیب در همه جا، در یک مستعمره و کشور عقب‌نگهداشته شده در همه دوره‌ها ثابت نیست و بطور عمده برحسب تغییر نیازهای اقتصادی و

طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری، بخشی از استعمار سرمایه‌داریست و نمی‌توان آن را عاملی خودی یا داخلی دانست، زیرا به همان اندازه که خودی و داخلی است، نسبت به منافع مردم، بیگانه و خارجی نیز هست.

در طبقه وابسته به استعمار، دوگانگی (استعمار خارجی-استثمار داخلی) تبدیل به یگانگی می‌شود و دولت وابسته به استعمار سرمایه‌داری، سازمان سلطه مشترک استثمارگران (داخلی) و استثمارگران (خارجی) است.

قشر بالای سرمایه‌داری در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که رابطه بسیار نزدیک با سرمایه‌داری خارجی و عناصر فتودال و نیمه فتودال در کشور خودشان دارند، سرمایه‌دار وابسته (بورژوازی کمپرادور) خوانده می‌شوند: بازرگانان، دلالان، سرمایه‌داران، بانکداران، رباخواران و... که برحسب منافع سرمایه‌داران بزرگ خارجی و به کمک شبکه گسترده‌ای از نمایندگان تجاری در داخل به صورت واسطه میان سرمایه‌داران خارجی و بازار داخلی عمل می‌کنند.

کنار آمدن و معامله با آنان یا خریدنشان توانسته‌اند بر جوامع مستعمراتی مسلط شوند.

در دوره رشد و توسعه سرمایه‌داری و ورود به مرحله امپریالیسم، کشورهای سرمایه‌داری استعماری، زیرسلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی قدرتهای خارجی قرار نگرفته‌اند و هیچ قدرت دولتی خارجی با بکار بردن زور یا دخالت‌های اقتصادی و نظامی در تغییرات و تحولات اجتماعی آنها نقش تعیین کننده نداشته است، اما از همان اوایل پیدایش و رشد نظام سرمایه‌داری، و حتی در دوره غارت‌های کلنیالیستی، دول استعماری در برابر جوامع مستعمراتی و همه سرزمینهای مورد تجاوز، نقش تهاجمی و سلطه جویانه داشته‌اند و از همه امکانات اقتصادی، سیاسی و نظامی و فرهنگی برای دخالت، تخریب، کسب نفوذ، استحاله، سلطه و تحکیم غارتگریهای خود بر این جوامع استفاده کرده‌اند. انکار این حقایق، انکار تاریخ چندصد ساله اخیر جهان است. در تحت شرایط سلطه استعمار سرمایه‌داری (نفوذ از خارج) طبقات و اقشار جدیدی در سرزمینهای زیرسلطه مستقیم یا غیرمستقیم استعمار سرمایه‌داری به وجود آمده و در ترکیب دولت و حکومت شرکت کرده‌اند یا جایگزین ابزارهای سلطه کهنه شده‌اند که تا آن زمان در این سرزمینها وجود نداشته است.

چگونگی شکل و محتوای اجتماعی و طبقاتی این طبقه که نگارنده بدان نام طبقه وابسته استعماری می‌دهد، در کشورهای عقب‌نگهداشته شده مختلف و متفاوت است، اما این طبقه در همه این سرزمینها، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی سلطه استعمار سرمایه‌داری را تشکیل داده و می‌دهد. در جوامع سرمایه‌داری (اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن) که بر اثر رشد شیوه تولید سرمایه‌داری، طبقه سرمایه‌دار

چگونگی تشکیل و محتوای اجتماعی و طبقاتی قشری که طبقه وابسته استعماری نام می‌گیرد، در کشورهای عقب‌نگهداشته شده مختلف و متفاوت است، اما این طبقه در همه این سرزمین‌ها، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی سلطه استعمار سرمایه‌داری را تشکیل داده و می‌دهد.

در جوامع سرمایه‌داری (اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن) که بر اثر رشد شیوه تولید سرمایه‌داری، طبقه سرمایه‌دار ملی (بورژوازی ملی) به وجود آمده و نضج گرفته و توانسته قدرت دولتی را تصاحب کند، نقش عمده در تغییر ساختار طبقاتی جامعه و دولت برعهده نیروهای داخل اجتماع بوده است. اما تشکیل حکومتها و دولتهای وابسته به استعمار سرمایه‌داری در کشورهای عقب‌نگهداشته شده، دقیقاً با تهاجم سرمایه‌داری استعماری به این نواحی رابطه دارد و نتیجه آن است.

لذا سیاسی و نظامی استعمار سرمایه‌داری تغییر می‌کند. در نتیجه، اقشاری تضعیف یا برکنار می‌شوند و اقشاری تقویت یا جایگزین می‌گردند، اما در هر حال وابستگی به استعمار سرمایه‌داری و سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی سازمان یافته آن حفظ می‌شود. با بررسی ترکیب طبقه وابسته به استعمار در هر دوره و کشور می‌توان نشان داد که قدرت سیاسی در دست کدام بخش از این طبقه قرار دارد و نفوذ و سلطه کدام دولت استعماری بارز است. برای توضیح و تشریح این مطالب، ذکر این نکته ضروری است که به علت رشد وسایل تولید در کشورهای استعماری سرمایه‌داری، نوع و میزان کالاهای صادراتی، کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و رشته‌هایی که سرمایه‌گذاران خارجی بدان علاقمندند، و همچنین کیفیت و کمیت احتیاجات کشورهای سرمایه‌داری استعماری به مواد معدنی و محصولات کشاورزی مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده و بطور کلی مجموعه روابط اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری استعماری با این سرزمینها بر حسب تغییر احتیاجات صنعتی و مصرفی کشورهای سرمایه‌داری استعماری تغییر می‌کند و در هر دوره تاریخی آن بخش از طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری در کشور عقب‌نگهداشته شده قدرت سیاسی و نظامی را به دست می‌گیرد که با احتیاجات اقتصادی و سیاست عمومی آن دوره استعمار سرمایه‌داری متناسب بوده و قادر به رفع نیازها و اجرای سیاست عمومی استعمار باشد، یا لااقل در آن جهت اقدام کند.

بطور مثال هر قدر نفوذ سرمایه‌های خارجی در کشور عقب‌نگهداشته شده‌ای زیادتر و احتیاج استعمار سرمایه‌داری به پایه‌گذاری و توسعه صنایع وابسته بیشتر شود، مناسبات سرمایه‌داری وابسته در این کشور عقب‌نگهداشته شده توسعه می‌یابد و از قدرت سیاسی زمینداران بزرگ کاسته می‌شود و به قدرت سیاسی سرمایه‌داران صنعتی وابسته و بانکداران وابسته به استعمار در دولت افزوده می‌گردد. در این دوره تنها آن گروه از زمینداران بزرگ در قدرت دولت شرکت داده می‌شوند که از سیاست جدید (احتیاجات جدید) استعمار سرمایه‌داری پیروی نمایند. در شرایطی که سلطه استعمار سرمایه‌داری جنبه سلطه کالانی داشته باشد، صاحبان

سرمایه‌های تجاری بزرگ و واردکنندگان کالاهای خارجی در بازار نفوذ بیشتری در دولت دارند، و سیاست اقتصادی دولت را در جهت توسعه واردات و گسترش سلطه (سرمایه‌داران محلی که برای پرده‌پوشی به آن بخش صنعتی گفته می‌شود) بخش «خصوصی» در همه زمینه‌ها رهبری می‌کنند.

گرچه دولتهای استعماری سرمایه‌داری در آخرین تحلیل، با هم شریکند و ادغام سرمایه‌ای، کالانی و فنی آنان را به صورت یک کل درآورده (استعمار دستجمعی) اما ممکن است بر اثر شرایط سیاسی خاص، در یک دوره معین، سرمایه‌گذاری یا بازار فروش کالای یک دولت سرمایه‌داری استعماری معین در کشور عقب‌نگهداشته شده معین به صورت بارز عمل کند.

در بسیاری از موارد، طبقات و اقشار حاکم برای پوشاندن و انکار وابستگی خود به یک دولت سرمایه‌داری استعماری معین، به پیروی از آن و همکاری خود با آن دولت، نام استفاده از «تضاد» می‌دهند.

باید به این نکته نیز توجه نمود که اقشار و طبقات شرکت‌کننده و سهم در حکومت و دولت وابسته استعماری گرچه در بدست آوردن سهم بیشتر در غارت منابع طبیعی و حاصل کار مردم، با هم رقابت می‌نمایند، گاهی اختلافشان به خصومت می‌انجامد، اما تمام این اقشار و طبقات در برابر مردم محروم، در برابر استثمارشوندگان یدی و فکری، صف وجبهه واحدی را می‌سازند و در موارد خطر با یکدیگر و با استعمار سرمایه‌داری به صورت همه‌جانبه همکاری می‌کنند.

افراد، اقشار و طبقات وابسته به استعمار سرمایه‌داری نه فقط با روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدا از یکدیگر با این یا آن دولت سرمایه‌داری استعماری پیوند دارند، بلکه به گونه طبقه واحدی که منافع و فرهنگ مشترك آنان را به هم پیوسته و گاهی نیز این روابط با پیوندهای فامیلی تحکیم شده، با استعمار سرمایه‌داری شریکند. وظیفه عمده طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری حفظ نظام اقتصادی سرمایه‌داری وابسته و اصولاً وابستگی‌های اقتصادی است، گرچه ممکن است از نظر سیاسی و فرهنگی ظاهر کار به صورت دیگری آراسته شده باشد.

ممکن است افراد، قشر، یا وابستگان به طبقه معینی، که در ترکیب طبقه وابسته به استعمار شرکت دارند، در آن واحد، در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فعالیت کنند؛ بطور مثال، ضمن دارا بودن مقام مهم در سازمان اداری دولتی، مقاطعه‌کار، دلال، سرمایه‌دار یا زمیندار بزرگ نیز باشند و چه بسا از مقام خود برای دلالتی در معاملات خارجی استفاده کنند.

به درستی می‌شود گفت که طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری بخشی از استعمار سرمایه‌دار است و نمی‌توان آن را عامل خودی یا داخلی دانست زیرا به همان اندازه که خودی و داخلی است نسبت به منافع مردم، بیگانه و خارجی نیز هست. دولت وابسته به استعمار سرمایه‌داری سازمان اجرایی طبقه حاکم وابسته به استعمار است و خواستها و نظریات مشترك این دو (استثمارگران داخلی و استثمارگران خارجی) به صورت قوانین و مقررات تحت نظر دولت وابسته اجرا می‌گردد. دولت در دوره ماقبل سلطه استعمار، در مستعمرات و نیمه‌مستعمرات، نماینده و سازمان اجرایی طبقه استثمارگر و حاکم بود اما دولت در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده که در آنان نظام سرمایه‌داری وابسته مستقر شده، نماینده و سازمان اجرایی طبقه حاکم عملی و در همان حال نماینده و سازمان اجرایی استعمار سرمایه‌داری است. در طبقه وابسته به استعمار، دوگانگی (استعمار خارجی - استثمار داخلی) تبدیل به یگانگی می‌شود و دولت وابسته به استعمار سرمایه‌داری، سازمان سلطه مشترك استثمارگران (داخلی) و استثمارگران (خارجی) است. ■■■